

## مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زنانه در ارتباطات اینترنتی

(مطالعه‌ی موردی زنان و دختران ۱۵ تا ۲۹ ساله در شهر سقز)\*

حمید عبداللهیان\*\*، آوات رضانیا\*\*\*

**چکیده:** این مقاله تجربه‌ی «خود» زنانه در فضای مجازی را تحلیل می‌کند که به شیوه‌ی مطالعه‌ی موردی کاربران زن ۱۵ تا ۲۹ ساله اینترنت در شهر سقز انجام شده است. مسئله‌ی پژوهشی این مقاله به درک چگونگی تجربه‌ی «خود» زنانه در میان کاربران زن در ارتباطات اینترنتی و تبیین این تجربه مربوط است. برای پرداختن به این مسئله از نظریه‌ی لاکان در مورد «خود» و دیدگاه‌های ژیک در رابطه با «خود» در فضای مجازی استفاده و با روی-کردهای درون‌کاوانه‌ی خود، این دیدگاه‌ها و کاربردها در ایران را تلفیق کرده‌ایم تا علاوه بر نتایج تجربی، به لحاظ نظری نیز نوآوری‌هایی در این زمینه ارائه کنیم (نگاه کنید به لاکان، ۱۹۸۸ و شاور، ۱۹۹۸). مطالعه‌ی میدانی تجربه-ی «خود» کاربران زن در شهر سقز، با استفاده از روی‌کرد روش‌شناسی کیفی و با استفاده از ابزار مشاهده و مصاحبه‌ی عمیق و کتبی ساخت‌یافته انجام می‌گیرد. داده‌ها و اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق روش کُدگذاری موضوعی دسته‌بندی و با توجه به بنیان نظری مقاله، تفسیر و در آن باره تولید دانش می‌شود. دستاوردهای این مقاله نشان می‌دهد که تجربه‌ی «خود» زنانه در ارتباطات اینترنتی متأثر از نوعی فقدان اطمینان در فضای اینترنتی و در عین حال ارجاع به مبانی فکری و اعتقادی در دنیای واقعی است.

**واژه‌های کلیدی:** تجربه‌ی زنانه، خود، فضای مجازی، امر نمادین، امر واقعی، امر خیالی، چت.

### مقدمه

در این مقاله تجربه‌ی «خود» زنانه در فضای اینترنتی را تحلیل می‌کنیم. برای این مطالعه از روش پژوهش موردی استفاده و کاربران زن ۱۵ تا ۲۹ ساله‌ی اینترنت در شهر سقز را مطالعه و تحلیل کرده‌ایم.

\* این مقاله از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد آوات رضانیا استخراج شده است.

habdolah@ut.ac.ir

\*\* دانشیار گروه ارتباطات، دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران

awat1717@gmail.com

\*\*\* کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۵/۲۷

برای پرداختن به این مسئله از نظریه‌ی لاکان<sup>۱</sup> در مورد «خود» و دیدگاه‌های ژیزک<sup>۲</sup> در رابطه با «خود» در فضای مجازی استفاده کرده، ضمن آن‌که دیدگاه‌های درون‌کاوانه‌ی خود را برای ارایه‌ی چارچوبی نوآورانه و بومی به کار لاکان و ژیزک افزوده‌ایم.

توضیح آن‌که، «خود» به‌عنوان موضوعی برای مطالعه در دوران معاصر به کانون تحقیقات و پژوهش‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و روان‌کاوی تبدیل شده است (باومیستر، ۱۹۹۹)<sup>۳</sup>. شناخت درست از چگونگی تجربه‌ی «خود» می‌تواند بر درک افراد از «خود» چه از نظر اجتماعی و چه از نظر رابطه‌ی آن‌ها با دیگران تأثیرگذار باشد.

فضای مجازی برای زنان به مثابه امکانی برای توسعه‌ی حوزه‌ی عمل آن‌ها بوده است، از این لحاظ فضای مجازی به تجربه‌ای جدید از «خود» زنانه میدان می‌دهد. درک و شناخت و مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زنانه در فضای مجازی، امکانی برای درک درست دنیای زنان و چگونگی استفاده‌ی زنان از تکنولوژی‌های نوین و تأثیرپذیری آن‌ها از امکانات این تکنولوژی‌ها است. این مقاله قصد دارد تا این تجربه را از طریق آن روش‌های کیفی مطالعه کند که به زیست‌جهان کاربران زن جوان اینترنت در شهر سقز نزدیک است.

ما در این مقاله ابتدا با ارجاع به نظریه‌های ارتباطی، اهمیت توسعه‌ی وسایل ارتباطی در تغییر چگونگی تجربه‌ی «خود» را مطرح و با استفاده از همین استدلال بر ضرورت مطالعه‌ی تجربه «خود» زنانه در فضای مجازی تأکید می‌کنیم. در قسمت بعدی، دیدگاه‌های لاکان و ژیزک در رابطه با تجربه‌ی «خود» و «خود» در فضای مجازی را عنوان می‌کنیم و ضمن افزودن روی‌کردهای درون‌کاوانه‌ی خود، چارچوبی نظری برای اجرای مشاهده‌ی عملی خود زنانه در شهر سقز فراهم می‌کنیم.

سپس به روی‌کرد روش‌شناسانه‌ی تحقیق اشاره‌ای می‌کنیم که روش تحقیق کیفی است و روش گردآوری داده‌ها و روش تحلیل اطلاعات را عنوان و در قسمت بعدی مقاله اطلاعات به‌دست‌آمده را تحلیل می‌کنیم. در انتها، نتایج حاصله از مطالعه‌ی میدانی را ارایه می‌کنیم و در مقایسه با ادعاهای نظری قرار می‌دهیم تا حل مسئله‌ی جلوه‌های خود زنانه و تجربه‌ی آن در محیط مجازی فراهم شود.

---

1. Lacan

2. Zizek

3. Baumeister (1999)

## طرح مسئله

چگونه «خود» زنان و دختران در شهر سبز در فضای اینترنت بازتعریف می‌شود؟

طرح مسئله‌ی این مقاله در ابتدا به کفایت نظری نظریه‌هایی برمی‌گردد که بر اساس مختصات جهان واقعی، و نه مجازی، طراحی شده‌اند. نظریه‌های رسانه‌ای در تاریخ تحول خویش همواره رسانه‌ها را به‌عنوان عاملانی مهم در تغییر و دگرگونی اجتماعی به حساب آورده‌اند. در این‌جا در ضرورت پرداختن به بحث «خود» و تجربه‌ی «خود» در فضای مجازی به ادبیات تحقیق در رابطه با رسانه و تغییرات اجتماعی نگاهی می‌شود. اولین نظریه‌ها در مورد تأثیر رسانه‌ها بر تجربه‌ی انسانی از محیط را باید به هارولد اینیس<sup>۴</sup> نسبت داد. او معتقد بود که رسانه‌ها پایه و مبنای تغییرات اجتماعی در جوامع مختلف هستند. ادامه‌ی کار اینیس را می‌توان در نظریه‌های مک لوهان<sup>۵</sup> دید. مک لوهان نیز اعتقاد داشت که رسانه‌ها در هر دوره‌ای عنصر غالب شکل‌گیری نوع زندگی و روابط بشری بوده‌اند. رسانه‌های مختلف در تداوم حس‌های مختلف آدمی، شیوه‌ی زندگی و روابطی متفاوت را باعث می‌شد (به نقل از اسمارت، ۱۳۸۳).<sup>۶</sup>

دیدگاه‌های مک لوهان و اینیس و به‌طور کلی پارادایم رسانه‌های قدرت‌مند را بعدها نظریه‌پردازان ارتباطی نقد کردند. نظریه‌های مختلف پوزیتیویستی در حیطه‌ی کار ارتباطی و در حوزه‌های جامعه‌شناسی (لاسل<sup>۷</sup> و لازارسفلد<sup>۸</sup>) و در حوزه‌ی روان‌شناسی (هایدر<sup>۹</sup> و نیو کامب<sup>۱۰</sup>) و در سایر حوزه‌ها موفق شدند تا روی‌کرد رسانه‌های قدرت‌مند را زیر سؤال ببرند. این نظریه‌ها در عوض بر افزایش قدرت مخاطب با اشاره به توجه، درک و نگهداشت گزینشی و جریان چندمرحله‌ای ارتباطی تأکید کردند (به نقل از سورین<sup>۱۱</sup> و تانکارد<sup>۱۲</sup>، ۱۳۸۲). هرچند که این انتقادات به نظریه‌های رسانه‌های قدرت‌مند وارد بود چون مخاطبان در فرایند ارتباطی به‌عنوان عناصری فعال حضور دارند، اما همان‌طور که برتراند راسل (۱۳۶۵)<sup>۱۳</sup> می‌گوید، هر نظریه‌ای اگر در

---

4. Harold Innis

5. McLuhan

6. Smart (1383)

7. Lasswell

8. Lazarsfeld

9. Heider

10. Newco

11. Severin (1382)

12. Tankard (1382)

13. Bertrand Russell (1365)

جایی مورد انتقاد قرار گیرد به صورتی دیگر باز می‌گردد، ما هم معتقدیم که نظریه‌ی رسانه‌های قدرت‌مند و به-خصوص نظریه‌های مک لوهان به‌گونه‌ای جدید در آثار کاستلز<sup>۱۴</sup> و بودریار<sup>۱۵</sup> بازگشته است.

به‌عنوان مثال، بودریار تصور فعلی ما از جهان را تصویری رسانه‌ای و منتج از رسانه‌ها می‌داند (به نقل از وارد، ۱۳۸۳: ۹۲). هم‌چنین کاستلز در کتاب عصر اطلاعات (۱۳۸۲) توسعه و گسترش نوآوری‌های تکنولوژیکی را به‌عنوان شروع یک عصر جدید معرفی می‌کند؛ عصری که در آن شبکه‌ای شدن جامعه و شکل‌گیری فضای جریان‌ها از نتایج این انقلاب تکنولوژی است. در واقع کاستلز به پیروی از مک لوهان، شرایط فعلی جامعه‌ی شبکه‌ای را تحت تأثیر گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی می‌داند.

همان‌طور که اشاره کردیم رسانه‌ها در تغییرات و دگرگونی‌های دنیای معاصر تأثیراتی قابل توجه دارند. بر مبنای این استدلال و با توجه به نوآوری‌های تکنولوژیک در زمینه‌ی ارتباطات و اطلاعات، ما اکنون تحت تأثیر رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی در یک دوره‌ی متفاوت از دوره‌های پیشین قرار داریم. منظور ما این است که ظهور فضای سایبر و امکاناتی که تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی با خود آورده‌اند، امیدها و آرزوها و کابوس‌هایی را به‌دنبال داشته است. مسئله‌ی مهم برای ما این است که «خود» در این فضای جدید دیجیتالی و مجازی تحت تأثیر رسانه‌ها و تکنولوژی‌های جدید به شیوه‌هایی دیگر تجربه می‌شود که با روی‌کردهای نظری رسانه‌های قدرت‌مند قابل تبیین نیست. به‌عبارت دیگر، واقعیت مجازی واقعیتی است که گرچه شبیه به واقعیت واقعی عمل می‌کند، اما مانند واقعیت واقعی اصیل نیست. به‌عبارت دیگر، نوعی شبیه‌سازی یا جای‌گزین برای واقعیت واقعی است چرا که هم صحت دارد، هم نزدیک به واقع است و هم با توجه به تأثیری که روی افراد دارد عملاً واقعی محسوب می‌شود (سولر، ۱۳۸۷)<sup>۱۷</sup>.

از سوی دیگر، چون تفاوت‌هایی بنیادین از نظر جنسی و روانی بین زنان و مردان وجود دارد و هر تجربه‌ای متأثر از وضعیت و شرایط خاص وضعیت‌های متفاوت است، زنان نیز تجربه‌ی خاص خود را از هر رسانه دارند (استریناتی<sup>۱۸</sup>، ۱۳۸۷). در این مقاله سعی کرده‌ایم تا این تجربه‌ی متفاوت «خود» زنانه در شهر سقز را مطالعه کنیم. در رابطه با تجربه‌ی زنانه، ما با اذعان به تفاوت‌های قابل توجه در اندیشه‌ی

<sup>14</sup>. Castells (1382)

<sup>15</sup>. Baudrillard

<sup>17</sup>. Suler (1387)

<sup>18</sup>. Strinati (1387)

زنانه، بر این باور هستیم که می‌توانیم از «نمونه‌ای آرمانی»<sup>۱۹</sup> تحت عنوان «تجربه‌ی زنانه» سخن بگوییم که اگر چه تظاهرات این تجربه بر روی طیفی از تفاوت‌ها قرار می‌گیرد، اما دارای شباهت‌ها و انسجام‌هایی منطقی است که موجب می‌شود آن‌را ذیل عنوان کلی «تجربه‌ی زنانه» بگنجانیم (جمشیدی‌ها و حمیدی، ۱۳۸۶). ادبیاتی که بر اساس تجربه‌ی زنانه تولید شده‌اند نشان می‌دهند که تفاوت‌هایی بنیادین و غیر قابل تقلیل بین دو جنس وجود دارد و این تفاوت اگر چه جنسیتی است، اما به لحاظ فرهنگی با متغیرهایی نظیر نژاد، طبقه و قومیت رمزگذاری شده است. در اینجا تجارب زیسته‌ی هر جنس از جهان زیست، برای جنس دیگر به همان شکل دریافت نمی‌شود (اباذری و دیگران، ۱۳۸۷).

در این‌جا محدودیت‌هایی که از لحاظ ارتباطی و استفاده از رسانه‌ها برای زنان وجود داشته است باعث نوعی از ترس و هراس از توسعه‌ی ارتباطات برای آن‌ها شده است. ما در رابطه با تجربه‌ی زنانه با نوعی از ترس در زنان روبه‌رو هستیم که بیشتر اوقات زندگی خود را در فضاهای بسته‌ی خانگی می‌گذرانند و آشنایی چندانی با دیگر فضاهای اجتماعی ندارند. فضاهای عمومی فضاهایی قابل دسترسی هستند که فرصت‌هایی را برای برساخت هویت و مدیریت «خود» فراهم و شهامت و توانایی استفاده از فضای عمومی، فضا و «خود» را به‌طور هم‌زمان بازتولید و بازتعریف می‌کنند (باندرز، ۲۰۰۴).<sup>۲۰</sup> به نظر می‌رسد که زنان در شرایط ارتباطات سنتی از دسترسی به این فضای عمومی محروم هستند. اکنون فضای مجازی این امکان را برای زنان فراهم کرده است تا در چارچوب صفحه‌ی خصوصی کامپیوتر به توسعه و بالندگی ارتباطات خود بپردازند و حضوری فعال در فضاهای عمومی اینترنتی داشته باشند (عبداللهیان، ۱۳۸۳). فضای اینترنتی و امکان ارتباطی‌ای که فراهم می‌کند نوعی از تجربه را برای زنان، به‌خصوص در جوامع مبتنی بر نظم سنتی مانند ایران و در این تحقیق شهر سقز، فراهم می‌کند که هم در عین حال آسیب‌زا است و هم حوزه‌ی عمل و توانایی‌های زنان را افزایش می‌دهد. لذا در این مقاله که بخشی از مطالعه‌ی میدانی ما را در شهر سقز بازنمایی می‌کند، ما به دنبال شناخت آسیب‌ها و فرصت‌ها و امکانات اینترنتی مرتبط با تجربه‌ی جدید زنانه هستیم که هم کمبودهای نظری در این حوزه را با تأکید بر تفکیک جهان‌های ارتباطی زنان و مردان جبران کند و هم جلوه‌های خود زنانه را آن‌طور که در یک شهر نمونه تجربه شده است به‌عنوان شاهده‌ی بر این دریافت نظری ارایه کند.

<sup>19</sup>. Ideal Type

<sup>20</sup>. Bounds (2004)

در خصوص جامعه‌ی نمونه‌ی مورد مطالعه نیز باید توضیح دهیم که بر اساس گزارش‌های سال‌نامه‌ی آماری (۱۳۸۵)، تقریباً نصف جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله را زنان تشکیل می‌دهند (جدول شماره ۱).

جدول (۱) جمعیت شهر سقز

جمع کل ۱۵ تا ۲۹	زن ۱۵ تا ۲۹	مرد ۱۵ تا ۲۹	جمعیت کل
۷۳۷۲۴	۳۶۸۵۱	۳۶۸۷۳	۲۰۸۴۲۵

منبع: سال‌نامه‌ی آماری ۱۳۸۵

اگرچه به نسبت مردان، زنان از دسترسی کمتر به اینترنت برخوردار هستند، اما وجود کافی‌نت‌ها و اتصال خانگی به اینترنت برای بسیاری از دختران علاقه‌مند در این شهر شرایطی را برای توسعه‌ی ارتباطات فراهم کرده است که در این مقاله آن‌ها را مطالعه کرده‌ایم.

## مبانی نظری

کاربردی کردن رویکرد «خود» ژریک در فضای مجازی و روابط مجازی

«خود» در حوزه‌ی نظریه‌های اجتماعی و فلسفی و روان‌کاوی مفهومی مورد مناقشه است. از این لحاظ ارایه‌ی تعریفی دقیق از مفهوم «خود» به‌نوعی امکانات تحلیلی این مفهوم را از آن می‌گیرد. در این تحقیق به‌جای ارایه‌ی تعریفی دقیق از «خود» سعی کرده‌ایم تا با استفاده از دیدگاه‌های ژریک و لاکان، به «خود» و ابعاد مختلف تجربه‌ی «خود» توجه کنیم. در این‌جا، به «خود» و تجربه‌ی آن به مثابه نوعی عاملیت و سوژگی و در رابطه با واقعیت‌های بیرونی و تاریخ‌چه‌ی زندگی شخصی و هویت‌های کلان اجتماعی توجه می‌کنند.

در این مقاله برای مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زنانه در فضای مجازی از دیدگاه‌های لاکان (۱۹۸۸) هم‌چنین نگاه کنید به شاور (۱۹۹۸)<sup>۲۱</sup> و ژریک (۲۰۰۸) استفاده می‌کنیم. ژریک به تأسی از لاکان از مدل سوژه‌ی دکارتی<sup>۲۲</sup> پشتیبانی می‌کند (مایرز، ۱۳۸۵: ۵). از نظر ژریک، روش شک دکارتی درباره‌ی این‌که ما چگونه از موجوداتی مستغرق در طبیعت به موجوداتی مجهز به فرهنگ تبدیل شدیم ما را به بینشی مؤثر مسلح می‌کند. ژریک «امر خیالی» لاکانی را به‌عنوان عاملی برای تثبیت شناور بودن ارجاع‌های بی‌پایان

<sup>21</sup>. Lacan (1988) و Shawver (1998)

<sup>22</sup>. Descartes

مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زنانه در ارتباطات اینترنتی ۱۳۵

دال‌ها قبول می‌کند و این همان چیزی است که ایگوی پارانوئید غیر آسیبی<sup>۲۳</sup> را شکل می‌دهد که برای شکل‌گیری «خود» الزامی است (ژیتک، ۱۳۸۴) و «خود» را به مثابه موجودی فعال در نظر می‌گیرد که، در عین تأثیر و تأثر با «دیگری بزرگ» و قانون و جامعه، دارای چیزی اضافه است که او را قادر می‌کند تحت استیلا کامل «دیگری» قرار نگیرد، بلکه همواره خود را به‌عنوان یک سوژه‌ی مستقل به یاد بیاورد. فضای مجازی برای ما و تحت تأثیر کار ژیتک حیطه‌ای از «امر خیالی» است که مرزهای آن توسط «امر نمادین» و «امر واقعی» مشخص می‌شود (به نقل از دالی<sup>۲۴</sup>، ۱۳۸۴: ۲۳؛ ژیتک و دالی، ۱۳۸۶: ۱۳۸-۱۴۲). «امر نمادین» به مثابه مجموعه‌ای از قوانین و روش‌های عمل و زبان وجود دارد (که در فضای مجازی هنوز یک زبان خاص برای کاربرد عمومی شکل نگرفته است و از همان زبان‌های موجود در فضای واقعی استفاده می‌شود) (ژیتک، ۲۰۰۸) و همچنین «امر واقعی» به مثابه عارضه‌ای تحمل‌ناپذیر مانند ترس و اذیت و آزارها و مواجهه با سردرگمی‌های ناشی از منطق هایپرلینک وجود دارد (دالی، ۱۳۸۴: ۲۳ و ۲۴). بنابراین برای درک تجربه‌ی «خود» در فضای مجازی ما باید به همه‌ی این مسایل به‌صورت هم‌زمان توجه کنیم. همچنین این موضوع ایده‌هایی را رد می‌کند که «خود» را در فضای مجازی به‌عنوان امکانی رها و گشوده برای تجربه‌های متکثر در نظر می‌گیرند. آن‌ها تمامی ابعاد ذکر شده برای «خود» را نادیده می‌گیرند. همچنین مسئله‌ای دیگر که برای ما در این‌جا برجسته می‌شود، ارتباطی محکم است که بین واقعیت واقعی و واقعیت مجازی وجود دارد. در این‌جا به هیچ وجه نمی‌توان تجربه‌ی «خود» در فضای مجازی را چیزی منحصر به فرد و متأثر از مختصات خاص فضای مجازی دانست، بلکه برای ما به پیروی از لاکان این تجربه در ارتباطی مستقیم با ناخودآگاه، فرد، جامعه، هویت و خانواده و به‌طور خلاصه تاریخ زندگی شخصی فرد قرار دارد. تجربه‌ی «خود» در فضای مجازی تجربه‌ای است که در آن ما با امکانی جدید برای تجربه‌ی ابعاد سه‌گانه‌ی روان خود روبرو هستیم و هر کدام از این ابعاد در نحوه‌ی تجربه‌ی ما تأثیرگذار هستند (ساراپ<sup>۲۵</sup>، ۱۳۸۲: ۲۱-۱۹).

<sup>۲۳</sup>. اچون در روان‌کاوی پارانویا یکی از بیماری‌های روانی و به‌عنوان مهم‌ترین آن‌ها مطرح است، در این‌جا ایگوی پارانوئید غیر آسیبی به‌عنوان امری معمولی افراد سالم را در بر می‌گیرد و در واقع سوژه‌ی مدرن و «خود» مدرن متکی به این ایگوی پارانوئید غیر آسیبی است.

<sup>۲۴</sup>. Daly (1384)

<sup>۲۵</sup>. Sarup (1382)

تجربه‌ی «خود» به مثابه تجربه‌ای متأثر از ابعاد مختلف رابطه‌ی ما با تاریخ زندگی شخصی و ناخودآگاه و جامعه، به این معنا نیست که نوعی خاص از تجربه‌ی شیزوفرنیک را نادیده بگیریم که در آن رابطه‌ی بین تمامی این ابعاد از هم می‌گسلد و فرد در فضای مجازی دچار نوعی ناتوانی در تشخیص وضعیت و زمان و مکان فعلی موجود در آن می‌شود. این موضوع بیشتر به این علت روی می‌دهد که فرد درون فضای مجازی با همان مرزهای «امر واقعی» به‌صورتی کابوس‌وار برخورد می‌کند و از بازگشت به واقعیت و «امر نمادین» ناتوان است. از این لحاظ نوعی تجربه‌ی آسیبی شیزوفرنیک شکل می‌گیرد که در آن، فرد جای‌گاه «خود» را گم می‌کند و ساختارهای سه‌گانه‌ی روانی از هم می‌گسلد (ژیژک، ۱۳۸۷). ایده‌های برگرفته از لاکان و ژیاک را برای مطالعه‌ی میدانی در این مقاله به‌عنوان راهنما در نظر گرفته‌ایم. به‌عبارت دیگر، با رجوع به میدان تحقیق سعی کرده‌ایم تمامی جنبه‌های مختلف برساختن «خود» را مطالعه کنیم. در این مطالعه سعی کرده‌ایم تا رابطه‌ی «خود» با دیگری و هویت‌های اجتماعی کلان بیرونی و همچنین مختصات تکنولوژیکی و فضایی اینترنت را مطالعه کنیم. در واقع این تحقیق روان‌کاوی نظریه‌ای از پیش تعیین‌شده نیست تا در میدان تحقیق سنجیده شود، بلکه راهنمایی برای درک یک تجربه‌ی خاص و امکانی برای تفسیر این تجربه‌ها است. این بخش یعنی تلفیق خود-لاکانی، خود اینترنتی ژیاکی و تجربه‌ی درون‌کاوانه‌ی خودمان از جهان زیست‌ایرانی، نوآوری نظری این مقاله است که در این مطالعه به آن دست یافتیم.

## روش تحقیق

### مطالعه‌ی خود زنانه در میان کاربران اینترنتی شهر سقز

ما در این تحقیق با دیدگاه نظری فوق‌وارد میدان تحقیق در کافی‌نت‌های شهر سقز شدید و با استفاده از دو روش مشاهده و مصاحبه به گردآوری اطلاعات پرداختیم. گردآوری اطلاعات در روش مصاحبه را در دو مرحله انجام دادیم. در روش اول به‌صورت شفاهی و آزاد و عمیق با دو نفر مصاحبه کردیم. مصاحبه‌ها در کافی‌نت‌های آسمان نت، ماد نت، کافی‌نت کتابخانه عمومی شماره ۱، کافی‌نت هه‌لو و کافی‌نت خیابان شهدا انجام شد که به مدت سه هفته از ۲۸ آذر تا ۲۰ دی سال ۱۳۸۷ طول کشید. در ابتدا با دو دختر مصاحبه‌ی شفاهی انجام دادیم. طول هر مصاحبه‌ی شفاهی بین بیست تا چهل دقیقه بود. پس از تحلیل اولیه‌ی این مصاحبه‌های شفاهی و با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده سؤال‌هایی در رابطه با



مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زبانه در ارتباطات اینترنتی ۱۳۷

چگونگی تجربه‌ی «خود» کاربران طرح و مصاحبه به صورت ساخته‌یافته و کتبی انجام شد. این موضوع بیشتر به علت محدودیت وقت مصاحبه‌شوندگان انجام گرفت. مصاحبه‌های کتبی با حضور پژوهش‌گر در کافی‌نت‌های ذکر شده در بین داوطلبان پاسخ‌گویی با رعایت نسبت سنی انجام شد. در کل در این مرحله ۱۱ دختر به مصاحبه‌ها جواب دادند. مدت زمان برای مصاحبه‌های کتبی نیز حدود نیم ساعت تا ۴۵ طول می‌کشید. در اجرای مصاحبه‌ی کتبی، پژوهش‌گر حاضر بوده و در رابطه با هر فرد توضیحات لازم را داده و همچنین هم‌زمان در تمامی این مراحل مشاهده‌ی وضعیت نیز انجام شده است.

پس از جمع‌آوری اطلاعات و مصاحبه‌ها با استفاده از روش کدگذاری موضوعی (نگاه کنید به فلیک، ۱۳۸۷) سعی کرده‌ایم تا در رابطه با هر فرد مورد مصاحبه جواب‌ها و داده‌های به‌دست‌آمده را تقسیم‌بندی کنیم و شناختی کلی از هر کدام به‌دست بیاوریم. در ادامه، تجربه‌های خاص را با توجه به مشترکات و تفاوت‌ها دسته‌بندی و با همدیگر مقایسه کرده‌ایم. طی این فرایند و هم‌زمان با درک تجارب خاص و همچنین در سطح گروهی و مقایسه‌ی گروه‌ها و اطلاعات، سعی کرده‌ایم تا نتایج را تفسیر کنیم و این تفسیر با استفاده از چارچوب نظری انجام شده است. در این‌جا چارچوب نظری امکانات، مفهومی نظری را برای تفسیر این تجربه در اختیار ما قرار داده است. استفاده از چارچوب نظری برای تفسیر نتایج و اطلاعات به‌دست‌آمده راه را بر نسی‌گرایی تفسیری محققان می‌بندد و در روش‌های کیفی این موضوع پذیرفته شده است.

### یافته‌های تحقیق

در این قسمت ما رابطه‌ی تجربه «خود» با «دیگری» را تحلیل می‌کنیم. یکی از مهم‌ترین خصوصیات اینترنت، امکان ارتباطی آن است که کاربران جمعیت نمونه‌ی ما را در شهر سقز قادر می‌سازد تا از ارتباطات محدود در زندگی واقعی شهر فراتر بروند و به صورت مستقیم با افراد و فرهنگ‌ها و جنسیت‌های دیگر ارتباط برقرار کنند. در این قسمت این بعد اینترنت درباره‌ی تجربه‌ی «خود» کاربران شهر سقز را تحلیل می‌کنیم. همان‌طور که در بخش نظری عنوان شد «خود» در ارتباطی دیالکتیکی با «دیگری» قرار دارد و همان‌طور که در کار لاکان آمد، «دیگری» و «خود» دو روی همدیگر هستند که در ادامه به همدیگر تبدیل می‌شوند. بدین معنا که «دیگری» برساننده‌ی «خود» است.

ما این بعد از تجربه‌ی «خود» در میان کاربران اینترنت (زن و دختر) در شهر سقز را در چند موضوع از جمله: ۱- چت در اینترنت، دوستان اینترنتی، ارتباط با جنس مخالف و ۲- سکس‌چت و نابرابری‌های اینترنتی تحلیل و تجربه‌ی این کاربران در هر کدام از این ابعاد را مطرح و آن‌ها را دسته‌بندی می‌کنیم.

### چت و «دیگری»

چت کردن یکی از راه‌های ارتباطی در میان کاربران زن و دختر در شهر سقز بوده که این امکان را برای آن‌ها فراهم آورده است تا خارج از قیدوبندهای دنیای واقعی، قابلیت‌های ارتباطی خود را سامان دهند و حتی هنجارهایی را برای جامعه‌ی کاربران تعریف کنند. با توجه به نظم سنتی حاکم بر شهر سقز و وجود عرف‌ها و قیدوبندهایی که روابط بین افراد را محدود می‌کند، فضای چت امکانی است در اختیار کاربران جوان سقزی تا خارج از این قیدوبندهای اجتماعی به ارتباط با دیگران بپردازند.

در مورد استفاده دختران از چت، رابطه‌ای بسیار پیچیده وجود دارد؛ نوعی ستایش همراه با شک و تنفر با هم. در واقع دختران «خود» را به‌صورتی دوگانه تجربه می‌کنند و این دوگانگی به‌نوعی پیچیدگی و ابهام در فضای اینترنتی می‌انجامد که طی آن دختران جوان دچار آشفتگی می‌شوند. در این‌جا این دو جنبه از تجربه‌ی «خود» زنانه را به‌صورت مجزا تحلیل می‌کنیم. بیشتر دختران اظهار کرده‌اند که چت می‌کنند. در میان آن‌ها ما شاهد نوعی ستایش از فضای چت بودیم، فضایی که برای آن‌ها آزادی را فراهم می‌کند. فضای چت، به دور از قیدوبندهای اجتماعی، امکان ارتباط با جنس مخالف و افراد دور از دسترس از فرهنگ‌های دیگر را فراهم می‌کند. در حالی که دختران در فضای واقعی در برقراری ارتباط به‌خصوص با جنس مخالف منفعلانه عمل می‌کنند، فضای چت این امکان را به دختران می‌دهد تا روابط خود را کنترل و فراتر از محدودیت‌ها عمل کنند. این امکان جدید برای آن‌ها بسیار هیجان‌انگیز است؛ موقعیتی برای نشان دادن «خود» واقعی آن‌ها. فریاده ۲۷ ساله می‌گوید:

«محیطی که فرد در فضای اینترنتی تجربه می‌کند بدون نظارت و سيطره‌ی نظام قدرت است و راحت‌تر می‌توان خود واقعی را به منصفه‌ی ظهور رساند، اما در روابط واقعی ابراز خود واقعی با بسیاری از موانع اجتماعی و سیاسی مواجهه می‌شود».

سروه ۲۵ ساله اظهار می‌کند:

«وقتی چت می‌کنم، احساس می‌کنم همه‌ی فکرهای دیگر زندگی‌م را فراموش می‌کنم. این باعث تمدد اعصابم می‌شود، وقتی فکرهای زیادی به مغزم هجوم می‌آورند دوست دارم چت کنم، برایم فرقی نمی‌کند با کی».

هم‌چنین ۲۲ ساله می‌گوید:

«اگر با افراد ناشناس چت می‌کنم به‌دلیل آرامشی است که از برقراری ارتباط با افراد ناشناس می‌کنم. در واقع من می‌تونم آن‌چنان که دوست دارم خودم را تعریف کنم و نسبت به شخصیت و هویت واقعی خودم پیشی بگیرم. چت هیجان‌انگیز است و انسان با افرادی جدید از سراسر دنیا آشنا می‌شود». در اینجا ما با یک نوع شور و نشاط ناشی از مواجهه با یک دنیای جدید روبه‌رو هستیم که در واقع مفری برای دختران است تا در سایه‌ی آن به آرامش و تمديد اعصاب بپردازند، اما این ستایش و هیجان و شور نسبت به فضای اینترنتی با نوعی ترس و تنفر و بی‌اعتمادی نیز همراه می‌شود، در حالی که دختران در این فضا بسیاری از آزادی‌ها و توانایی‌های خود را باز می‌یابند و تجربه می‌کنند، با نوعی از ناکامی و فقدان اطمینان نیز مواجهه می‌شوند که آن‌ها را از فضای اینترنت دل‌زده می‌کند. این ناکامی و فقدان اطمینان، بیان‌گر جنبه‌های «واقعی» فضای مجازی است که تجربه‌های آسیبی را به‌دنبال دارد. نرگس ۲۴ ساله می‌گوید:

«در مورد من چون آدمی منزوی و کم‌حرف هستم و حرف زدن مثل یک شکنجه می‌تواند آزارم دهد، فضای اینترنت و چت خیلی عالی بود و خیلی کمک کرد تا خودم را پیدا کنم و بتوانم حتی در واقعیت هم حرف‌هایم را تا حدی بزنم، اما وقتی با کسی که نمی‌شناسمش چت کنم، فقط و فقط باید انتظار شنیدن دروغ را داشته باشم. اصولاً خیلی از آدم‌ها آن‌چنان دروغ سر هم می‌کنند که یک جفت شاخ روی سر آدم سبز می‌شود، اما خوب در برخی از موارد خیلی می‌تواند مؤثر باشد».

هم‌چنین نرمین ۲۲ ساله می‌گوید:

«اوایل تقریباً بیشتر چت می‌کردم، اما الان اصلاً تمایل ندارم و اگر هم سری به آی‌دی‌هایم بزنم فقط آف‌هایم را چک می‌کنم یا با دوستانی چت می‌کنم که روی خط باشند. در روابط اینترنتی و چت احتمال دروغ گفتن زیاد است و قابل اعتماد نیست، اما در روابط واقعی این احتمال که زیاد دروغ بگویند کم است».

هلاله ۱۹ ساله می‌گوید:

«هدف من از چت کردن، شناخت از جنس مخالفم است. دوست دارم با روحیات و طرز تفکر آنها بیشتر آشنا شوم، اما به نظر من این نوع از روابط اصلاً قابل اعتماد نیست و برای وقت‌گذرانی و لذت از پیشرفت و الکی خوش بودن است».

در این‌جا ما شاهد گلایه‌های دختران جوان از دروغ در فضای مجازی هستیم. آنها خوب می‌دانند که فضای مجازی امکانی برای دروغ گفتن و جعل هویت است. با وجود تمامی این موضوعات دختران همچنان به چت کردن ادامه می‌دهند. آنها با جنبه‌های غیرمطمئن و دروغین اینترنت آشنا می‌شوند، اما همچنان این فضا با تمام نقص‌ها و بدیهی‌هایش برای آنها به مثابه راهی دیگر عمل می‌کند، به‌عنوان یک جای‌گزین ارتباطی در زندگی عادی که اگرچه ناخوشایندی‌ها و بی‌اطمینان‌هایی را به‌دنبال دارد، اما دقیقاً با آگاهی از این موضوع به چت کردن ادامه می‌دهند. آگاهی به جنبه‌های دروغین فضای اینترنتی سبب می‌شود تا دختران با آگاهی بیشتر با این فضا به تعامل بپردازند و همین موضوع جنبه‌های آسیبی تجربی فضای مجازی را برای زنان و دختران جوان کم می‌کند. در ادامه‌ی این بحث به دو حوزه از تجربه‌های ارتباطی در فضای مجازی می‌پردازیم که تجربه‌ی «خود» زانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

#### دوستی‌های اینترنتی و سکس‌چت

بحثی که در این‌جا اهمیت می‌یابد در رابطه با دوستان اینترنتی است. اما این دوستی‌ها چقدر می‌توانند نیاز کاربران به دوست را رفع کنند؟ آنها چقدر توانسته‌اند در ایجاد یک رابطه‌ی درست موفق باشند؟ همان‌طور که در بحث چت در فضای اینترنتی عنوان شد، دختران خیلی به برقراری ارتباط اینترنتی تمایل دارند و بالطبع دوستان اینترنتی بیشتری دارند. این کار برای آنها جبران آن چیزی است که در دنیای واقعی از آن منع شده‌اند. آنها بدون ممنوعیت و بدون محدودیت دوستان‌شان را از جنس مخالف و از افراد مربوط به شهرها و فرهنگ‌های دیگر انتخاب می‌کنند. این آشنایی‌ها و این دوستان مجازی برای آنها هیجان‌انگیز است و نیازهای آنها را برآورده می‌کند، اما این دوستی‌ها برای آنها قابل اطمینان نیست. در واقع آنها تنها برای کسب تجربه این دوستی‌ها را انجام می‌دهند در صورتی که خوب می‌دانند که این‌ها دوستی واقعی و قابل اطمینان نیست. برای نمونه شیوا ۱۹ ساله می‌گوید:

«از هویت دوستان مجازیم اطمینان ندارم، مگر این‌که قبلاً آنها را دیده یا شناخته باشم و نسبت به این دوستان نیز هیچ احساس خاصی ندارم».

مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زنانه در ارتباطات اینترنتی ۱۴۱

و نرگس ۲۴ ساله می‌گوید:

«من کاملاً به کسانی که در آی‌دی‌ام هستند اطمینان دارم و هیچ احساس خوبی به داشتن دوستان مجازی ناشناس ندارم، نمی‌توانم به آدم ناشناس اعتماد کنم».

هم‌چنین سارا ۳۹ ساله می‌گوید:

«من اصلاً به دوستی‌های اینترنتی اطمینان ندارم، حتی کسانی که وب‌کم می‌دهند. صورت آن‌ها را می‌بینم، اما به هویتی که می‌دهند اطمینان نمی‌کنم».

این موضوع در مورد دوستان جنس مخالف یا دوست پسر اینترنتی هم صادق است. اگرچه آن‌ها عنوان کرده‌اند که چت با جنس مخالف بیشترین وقت آن‌ها را در اینترنت می‌گیرد، اما نسبت به جنس مخالف نیز نوعی بی‌اعتمادی وجود دارد که از ایجاد یک دوستی در حد دوستی‌های واقعی جلوگیری می‌کند. بیشتر ارتباطات با جنس مخالف تنها به علت تجربه‌ی خود ارتباط صورت می‌گیرد و کمتر هدفی مانند ازدواج یا عشق و عاشقی را دنبال می‌کند، هرچند که این موضوعات نیز خود از موضوعات بحث در فضای چت هستند. نرگس ۲۴ ساله می‌گوید:

«چون اسم آی‌دی‌ام دخترانه است توجه خیلی از پسرها را جلب می‌کند. با خیلی‌ها در حد یک سلام و علیک چت کرده‌ام، اما اگر بدانم طرف مقابلم خواسته‌ی غیر منطقی دارد همان‌جا به رابطه‌ام خاتمه می‌دهم».

دنیا ۲۷ ساله می‌گوید:

«اعتماد کامل را هیچ‌وقت به جنس موافق هم قبول ندارم و همیشه در روابطم احتیاط می‌کنم. در واقع محافظه‌کارم چون هر چیزی درصدی خطا دارد. این قانونی اثبات‌شده است و تنها چیزی که درصد خطا ندارد ذات اقدس الهی است».

در این‌جا شاهد هستیم که از طرف خود کاربران محدوده‌هایی برای چت با جنس مخالف مشخص شده است. این محدوده‌ها از یک طرف ناشی از بی‌اعتمادی‌ای است که دختران به پسران و خواسته‌های آن‌ها دارند و از طرف دیگر، این محدودیت‌ها به دنیای واقعی و نظم اجتماعی حاکم بر آن برمی‌گردد. در جایی که نظارتی بیرونی نیست، نظارت درونی و در واقع وجدان و سوپر ایگوی آن‌ها فعال است. آن‌ها بر رابطه‌های خویش مهار می‌زنند و آن‌را تا حیطه‌های مشخص محدود می‌کنند. این موضوع در مورد سکس‌چت کاملاً مشهود است. بیشتر دختران در مورد سکس‌چت اظهار بی‌زاری می‌کنند. در این‌جا آن‌چه در رابطه با دختران جوان جالب است این است که واگرایی از سکس‌چت معمولاً قبل از ورود به فضای

چت و تجربه‌ی چت اتفاق می‌افتد. در واقع تنفر دختران از سکس‌چت بیشتر ناشی از اعتقادات و باورهای آن‌ها است. برای مثال زینب ۲۱ ساله می‌گوید:

«کار خیلی خیلی چرتی است. به نظرم فقط تبادل اطلاعات پزشکی یا علمی در این زمینه درست است و فراتر از آن خارج از حوزه‌ی اخلاق است.»

و دنیا ۲۷ ساله می‌گوید:

«چون در این مورد تا به حال هیچ‌گونه ارتباطی نداشته‌ام هیچ ارزیابی هم ندارم، فقط همین‌که خود چیزی بد و ناهنجار است، پس هرگونه کار و ارتباط در مورد آن نیز به همین شیوه است.»

سکس‌چت برای دختران در حکم یک نوع گناه است. ما در مصاحبه‌ها و بحث‌های مان شاهد بودیم که دختران خیلی به دین و سنت پای‌بند بودند. آن‌ها این حوزه را خارج از ادب و نزاکت و اخلاق می‌دانند و به‌عنوان حوزه‌ای تحریم‌شده در جامعه ترجیح می‌دهند در این مورد صحبت نکنند. حمیده ۲۴ ساله می‌گوید:

«اگر یک بار برای اولین بار در زندگی‌م چت کنم و طرفم در مورد سکس صحبت کند پدرش را درمیاورم. ترجیح می‌دهم در این مورد حتی هیچی نگویم.»

نرمین ۲۲ ساله می‌گوید:

«خیلی مزخرف است، شاید یکی از دلایلی که از چت کردن بدم می‌آید این است که چت الان فقط در سکس خلاصه شده است.»

دوری از سکس‌چت به چیزی دیگر نیز ربط دارد و آن خاصیت تجاوزکارانه‌ی سکس اینترنتی است. فضای چت‌روم‌ها در این باره بسیار مردسالارانه است، به‌نوعی که بیشتر صحبت‌ها در مورد سکس‌چت از طرف پسران شروع می‌شود. آن‌ها دختران را برای صحبت در مورد سکس و سکس‌چت تحت فشار قرار می‌دهند و این خود خاصیتی تجاوزکارانه به حساب می‌آید که به‌نوعی حالت تدافعی در دختران می‌انجامد.

مسئله‌ی دیگر که در این‌جا در رابطه با تجربه‌ی «خود» در رابطه با «دیگری» در اینترنت مهم است، مسئله‌ی اذیت و آزارهای اینترنتی است. این موضوع می‌تواند جنبه‌های ناخواسته‌ی ارتباط اینترنتی را مشخص کند؛ آن‌جا که کنترل به‌عنوان مهم‌ترین علت و مشخصه‌ی ارتباطات اینترنتی از دست می‌رود. در مورد مسئله‌ی آزار و اذیت‌های اینترنتی، در میان دو جنس تفاوت‌هایی در نوع آزار و اذیت‌ها و نگرانی‌ها وجود دارد. برای دختران تهدیدهای بسیار زیادی وجود دارد. ما در مورد سکس‌چت به این موضوع اشاره کردیم که پسران در این فضا دختران را برای سکس‌چت تحت فشار قرار

مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زنانه در ارتباطات اینترنتی ۱۴۳

می‌دهند. در بقیه‌ی موارد هم نوع آزار و اذیت‌های اینترنتی به همین ترتیب است. برای نمونه شیو/ ۱۹ ساله می‌گوید:

«اذیت و آزارهای اینترنتی از طریق فرستادن عکس‌های مستهجن یا صحبت در مورد سکس‌های بسیار کثیف و مخاطب قرار دادن طرف مقابل اتفاق می‌افتد».

شلیر ۲۲ ساله نیز معتقد است که:

این کار «از طریق بد حرف زدن و بی‌احترامی و سر کار گذاشتن» اتفاق می‌افتد. در این‌جا اذیت و آزارهای اینترنتی همان جنبه‌ای از «دیگری» است که برای کاربر تفربرانگیز است، زیرا کنترل موقعیت را از او می‌گیرد. اذیت و آزارهای اینترنتی از طریق هک کردن و ارسال فایل‌های مستهجن و دزدیدن اطلاعات شخصی افراد و در اختیار دیگران قرار دادن آن، نوعی تجاوز به شخصیت فرد محسوب می‌شود، اما در رابطه با میدان تحقیق ما یعنی شهر سقز، به‌علت محدود بودن ارتباطات اینترنتی این موضوع بسیار به‌ندرت اتفاق افتاده است.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله تجربه‌ی کاربران دختر در فضاهای ارتباطی دوطرفه مانند چت و گروه‌های دوستی را ارزیابی و تحلیل کرده‌ایم تا جلوه‌هایی از مسئله‌ی شکل‌گیری تجربه‌ی خود زنانه در محیط مجازی ارزیابی و تحلیل شود. نتایج حاصل از این مطالعه و تحلیل به شرح زیر است:

- در مورد استفاده‌ی دختران از چت، نوعی ستایش همراه با شک و تنفر هم‌زمان با هم وجود دارد. چت فضایی است که برای آن‌ها آزادی و امکان ارتباط با جنس مخالف و افراد دور از دسترس از فرهنگ‌های دیگر را فراهم می‌کند. در حالی که در فضای واقعی، دختران در برقراری ارتباط، به‌خصوص با جنس مخالف منفعلانه عمل می‌کنند.

- فضای چت این امکان را به دختران می‌دهد تا روابط خود را کنترل و فراتر از محدودیت‌ها عمل کنند. این امکان جدید برای آن‌ها بسیار هیجان‌انگیز و موقعیتی برای نشان دادن «خود» واقعی آن‌ها است.

- اما این ستایش و هیجان و شور دختران نسبت به فضای اینترنتی با نوعی ترس و تنفر و بی‌اعتمادی همراه می‌شود؛ در حالی که دختران در این فضا بسیاری از آزادی‌ها و توانایی‌های خود را بازمی‌یابند و تجربه می‌کنند، با نوعی از ناکامی و فقدان اطمینان نیز مواجه می‌شوند که آن‌ها را از فضای اینترنت دل‌زده می‌کند.

- با وجود تمامی این موضوعات، دختران همچنان به چت با دیگران ادامه می‌دهند. آن‌ها با جنبه‌های غیرمطمئن و دروغین اینترنت آشنا می‌شوند، اما همچنان این فضا با تمام نقص‌ها و بدی‌هایش برای آن‌ها به مثابه راهی دیگر و به‌عنوان یک جای‌گزین ارتباطی در زندگی عادی عمل می‌کند.

- دختران خیلی به برقراری ارتباط اینترنتی تمایل و دوستان اینترنتی بیشتری دارند. این کار برای آن‌ها جبران آن چیزی است که در دنیای واقعی از آن منع شده‌اند. آن‌ها بدون ممنوعیت و بدون محدودیت دوستان‌شان را از جنس مخالف و از افراد مربوط به شهرها و فرهنگ‌های دیگر انتخاب می‌کنند.

- آشنایی‌ها و دوستی‌های مجازی برای دختران تجربه‌ای هیجان‌انگیز است و نیازهای آن‌ها را برآورده می‌کند، اما این دوستی‌ها برای آن‌ها قابل اطمینان نیست. در واقع آن‌ها تنها برای کسب تجربه این دوستی‌ها را انجام می‌دهند در صورتی که خوب می‌دانند که دوستی واقعی و قابل اطمینان نیست.

- واگرایی از سکس‌چت پدیده‌ای شایع در بین دختران مورد مطالعه است. واگرایی از سکس‌چت معمولاً قبل از ورود به فضای چت و تجربه‌ی چت اتفاق می‌افتد. در واقع روی‌گردانی دختران از سکس‌چت بیشتر ناشی از اعتقادات و باورهای آن‌ها است.

- فضای چت‌روم‌ها بسیار مردسالارانه است به‌نوعی که بیشتر صحبت‌ها در مورد سکس‌چت از طرف پسران شروع می‌شود. آن‌ها دختران را برای صحبت در مورد سکس و سکس‌چت تحت فشار قرار می‌دهند و این خود خاصیتی ناپه‌نجان و تعرض به حریم به حساب می‌آید که به‌نوعی حالت تدافعی در دختران می‌انجامد.

- در رابطه با مسئله‌ی آزار و اذیت‌های اینترنتی تهدیدهای بسیار زیادی وجود دارد. دختران در این فضا در خطر هتاک‌ی و فشارهای تجاوزکارانه‌ی کاربران پسر قرار دارند.

نتایج حاصله از تجربه‌ی «خود» زنانه در فضای مجازی در شهر سقز نشان‌دهنده‌ی اطمینان نداشتن به «دیگری» در فضای مجازی است. در این معنا «دیگری» تنها تا زمانی قابل اعتماد است که به‌نوعی توسط مکانیسم‌های دنیای واقعی شناخته‌شده باشد. در غیر این صورت «دیگری» به‌صورت مبهم و غیر قابل شناخت درمی‌آید که «میل» او مشخص نیست و این تجربه‌ای نامطمئن را برای کاربران رقم می‌زند که به‌نوعی گریز از این فضا می‌انجامد. این نامطمئنی در فضای مجازی، به تجربه‌ی آسیب‌شناختی دختران می‌انجامد چرا که طی آن تجربه «خود» افراد یا با ارجاع به واقعیت و «دیگری» در دنیای واقعی صورت می‌گیرد یا به تجربه‌ای نامطمئن می‌انجامد و دختران باید آسیب‌های ناشی از آن را تجربه کنند. وضعیت فقدان اطمینان در فضای مجازی، زنان و دختران جوان را وادار می‌کند تا تجربه‌ی خود از اینترنت را



مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زنانه در ارتباطات اینترنتی ۱۴۵

سازمان دهند و این کار تنها با ارجاع به واقعیت واقعی (در مقابل واقعیت مجازی) شکل می‌گیرد که در این‌جا در واژگان لاکانی «امری نمادین» است. این تلاش برای سازمان دادن به فضای مجازی از طرفی دیگر نتیجه‌ی تلاش‌های کاربران برای تجربه‌ی یک «خود» وحدانی است. دستاوردهای این تحقیق چگونگی تجربه‌ی «خود» در بین کاربران شهر سقز را برای ما روشن ساخته است.

حال با شناخت چگونگی این تجربه و جنبه‌هایی که در آن‌ها اینترنت به‌عنوان بعدی منفی ظهور کرده است، تکلیف چیست؟

ما راه‌کارهایی را که از سوی خود کاربران زن و به‌منظور کاهش این آثار آسیب‌شناختی مطرح شده است را نیز برای حل مسئله‌ی این مقاله به شرحی که می‌آید معرفی می‌کنیم. برای نمونه برخی از این کاربران به این راه‌کار اشاره می‌کنند که در صورت احساس خطر یا اطمینان نداشتن به محتوای چت یا تعاملات اینترنتی به دنیای واقعی (نمادین) باز می‌گردند. از نظر ما و بر طبق مدل عبداللهیان (۱۳۸۶) این الگو برای رویارویی با جنبه‌های منفی اینترنت از استراتژی‌های کاربران ایرانی است و در عمل آن‌را به‌کار می‌برند. در واقع دستاوردهای این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده‌ی مطلوب از اینترنت مستلزم سامان دادن آن با ارجاع به نمادهایی بیرونی در دنیای واقعی است. سامان بخشیدن به فضای اینترنت که فضایی بدون نظم و ازهم‌گسیخته و نامطمئن است و تبدیل آن به فضایی که در آن فرد می‌داند به‌دنبال چه موضوعی است و شناختی درست از نیازهایش دارد، مستلزم فراهم آوردن این‌گونه شناخت است که ما معتقدیم بخشی از آن‌را در این مقاله و با تمرکز بر مساله‌ی «خود» تأمین کرده‌ایم.

به نظر می‌رسد فضای سنتی ایرانی و محلات ایرانی راه‌کاری مناسب برای حل مشکلات ارتباطات اینترنتی است و برای تحقق آن باید نسلی از مادران و پدران به دنیای اینترنت وارد شوند که هم‌چون محلات قدیمی بتوانند کنترل آسیب‌ها و نهادینه کردن هنجارهای جهان واقعی را در جهان مجازی محقق کنند.

## منابع

ابادری، یوسف و دیگران (۱۳۸۷) «احساس ناامنی در تجربه‌ی زنانه از زندگی روزمره»، پژوهش زنان، دوره ۶ شماره ۱.

شماره پیاپی ۲۰، صص ۱۰۳-۸۵

استریناتی، دومینیک (۱۳۸۷) مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه، ترجمه‌ی ثریا پاک نظر، تهران: گام نو.

اسمارت، بری (۱۳۸۳) شرایط مدرن، مناقشه‌های پست‌مدرن، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.

۱۴۶ پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸

برتراند، راسل (۱۳۶۵) تاریخ فلسفه غرب، ترجمه‌ی نجف دریابندی، تهران: نشر پرواز.

جمشیدی‌ها، غلامرضا و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶) «تجربه‌ی زنانه از جنگ»، پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۲، پاییز ۱۳۸۶، شماره پیاپی ۱۸، صص ۱۰۹-۸۱.

دالی، گلین (۱۳۸۴) قمار کردن بر سر محال، ترجمه‌ی مراد فرهادپور، در رخداد: اسلاوی ژیتک، گزینش و ویرایش مراد فرهادپور، مازیار اسلامی و امید مهرگان، تهران: انتشارات گام نو.

ژیتک، اسلاوی (۱۳۸۴) سوژه‌ی حساس هگلی، ترجمه‌ی مراد فرهادپور در رخداد: اسلاوی ژیتک، گزینش و ویرایش مراد فرهادپور، مازیار اسلامی و امید مهرگان، تهران: انتشارات گام نو.

ژیتک، اسلاوی و دالی، گلین (۱۳۸۶) گشودن فضای فلسفه، ترجمه‌ی مجتبی گل‌محمدی، تهران: انتشارات گام نو.

ژیتک، اسلاوی (۱۳۸۷) هیستری و سایر اسپیس، ترجمه‌ی از سایت مجله‌ی زغال، برگرفته به تاریخ ۱۳۸۷/۷/۸ از آدرس:

<http://zoghalmag.com/zoghal/index.php>

ساراپ، مادن (۱۳۸۲) راهنمای مقدماتی بر پسا ساختارگرایی و پسامدرنیسم، ترجمه‌ی محمدرضا تاجیک، تهران: نشر نی.

سولر، جان (۱۳۸۷) چهارراه واقعیت مجازی، ترجمه‌ی کامبیز پارتازیان، برگرفته به تاریخ: ۱۳۸۷/۷/۴ از آدرس زیر:

<http://www.bashgah.net/pages-18960.html>

عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳)، مطالعه شکاف بین ایده‌آل‌های دو جنس در ایران با تکیه بر شهر تهران، با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، مرداد ۱۳۷۹ تا فروردین ۱۳۸۳.

----- (۱۳۸۶) برداشتی پدیدارشناسانه از ظهور و توسعه‌ی تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در ایران؛ مطالعه‌ی موردی واکنش جوانان و شکل‌گیری «خود جدید»، در کتاب فرهنگ، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، صص ۲۵۹-۲۸۴.

فلیک، اووه (۱۳۸۷) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه‌ی هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

مایرز، تونی (۱۳۸۵) اسلاوی ژیتک، ترجمه‌ی احسان نوروزی، تهران: نشر مرکز.

محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی جامعه‌ی اطلاعاتی، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.

وارد، گلن (۱۳۸۴)، پست‌مدرنیسم، ترجمه‌ی قادر فخر رنجبری و ابوذر کریمی، تهران: نشر نی.

ورنر، سورین و تانکارد، جیمز (۱۳۸۲) نظریه‌های ارتباطات، ترجمه‌ی علی‌رضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

**Baumeister, Roy. F** (۱۹۹۹) *the Self in Social Psychology*, Philadelphia: Psychology Press, Tylor and Francise.

**Bounds, Michael** (2004) *Urban Social Theory (City, Self and Society)*, New York: Oxford University Press.

**Lacan, J.** (1988) *the Seminar of Jacques Lacan*. In Jacques-A. Miller and J. Forrester (eds.), *Book /: Freud's Papers on Technique 1953-1954* (p. 314). New York: W. W. Norton.

مطالعه‌ی تجربه‌ی «خود» زنانه در ارتباطات اینترنتی ۱۴۷

**Shawver, Lois** (1998) Edited by Althea I. Homer, Ph.D. Visions of the Self; LACAN'S THEORY OF SELF AND THE STORY OF THE LAST COOKIE, in The American Journal of Psychoanalysis, Vol. 58, No. 3, 1998

**Zizek. S** (2008) the Cyberspace Real, from: [www.egs.edu/faculty/zizek/zizek-cyberspace-real.html](http://www.egs.edu/faculty/zizek/zizek-cyberspace-real.html) .

